

# گردشی در بوستان

اگر خوانی او را خدای سخن  
سزای وی است و سزای سخن

ارلین کتابی که شیخ اجل سعدی شیرازی پرداخته و مورد اقبال و عوام و خواص واقع شده بوستانست .

سعدی در آغاز جوانی ظاهراً در حدود سنه ششصد و بیست بقصد تحصیل از شیراز بیغداد رخت بر بسته و پس از مدتها توقف در آن شهر برای تکمیل نفس و سیر نفس و آفاق بدریای مغرب روی آورده و شام ، سوریه ، عربستان ، ممالک شمالی افریقا را بقدم سیر و سیاحت در نور دیده ؛ از هر گوشه تمتعی و از هر خرمن خوشه یافته و پس از این مسافرتها طولانی که درسی سال یا بیشتر مدت گرفته در موقیع بازگشت نتیجه آزمایشهای تابخ و شیرین خود را فراهم آورده بارباب معنی و دوستان وطن بارمجان آورده است .

در بیخ آدم زان همه بوستان  
تهی دست رفتن بر دوستان  
بدل گفتم از مصر قند آورند  
بر دوستان ارمغانی برند  
مرا گر تهی بود از آن قند دست علوم انسانی  
سخن های شیرین تر از قند هست

درین مسافرتها سعدی طرح دو کتاب مقدس بوستان و گلستان را ریخته و شاید قسمتی از اشعار و حکایتهای این دورا ساخته بوده است ولی تنظیم و تبویب این دو گنج نامبردار در شیراز انجام پذیرفته چه ازین اشاره که در دیباچه گلستان میفرماید : « فصلی دو در همان روز اتفاق بیاض افتاد » معلوم میشود مسودات اوراق گلستان حاضر بوده که در یکروز دو فصل آن از سواد بیباض آید .

هر قسمت که از بوستان انتشار مییافته موجب شگفت و اعجاب عموم واقع میشده و مردم دست بدست میرده و میخوانده و میستوده‌اند و درین میانه مخالفینی نیز بوده‌اند که این آثار را بنظر حسادت و چشم خشم مینگریسته‌اند .  
 پراکنده گوئی حدیث شنید جز احسن گفتن طریقی ندید  
 هم از خبث نوعی در آن درج گرد که ناچار فریاد خیزد ز درد  
 و این پراکنده گویان گذشته از حسودان بدخواه که در آغاز ظهور نواح از حسد بخود رنج میدهند ممکن است زاهد نمایان و عمال ظالم بوده باشند چه شیخ در برده دری و گوشمالی این دو طایفه دلیر و بی پروا سخن گفته و از آن جمله در خطاب با تائبک ابوبکر بن سعد تصریح میفرماید :

ترا عادت ای پادشه حق رویت دل مرد حق گوی ازینجا قویست  
 تعجب نیست گر ظالم از من بجان برنجد که دزدست و من باسبان  
 بعد از انتشار بوستان شهرت سعدی عالمگیر شده و مخالفین نیز عظمت مقام او تسلیم شده‌اند و این نکته از مقایسه بوستان و گلستان بخوبی آشکار میشود و اگر در آغاز بوستان میفرماید :

همانا که در فارس انشای من چو مشکست بی قیمت اندرختن  
 پس از یکسال در مقدمه گلستان تصریح میکند که « قصب الحبيب حدیثش که همچون شکر میخورند و رقه منشآتش که چون کاغذ زر میبرند »

\*\*\*

همه میدانند که سعدی عمری طولانی داشته . مسافرت بسیار کرده ، سختی‌هایی در زندگانی دیده که دیگران آن توانائی و تحمل را نداشته‌اند . اهر صنف و هر طبقه از عرفا ، دانشمندان ، سلاطین ، صدور تائیشه و ران و کاروانیان آمیزش داشته . از ایام کودکی به بحث و مطالعه و تحصیل همت گماشته بنزیه

نفس و تصفیه اخلاق پرداخته . متدین ، مهربان ، متواضع ، ساده دل ، آموزگار ، نجیب ، چاره اندیش ، خیرخواه ، عالمی عارف ، عارفی عالم ، حکیمی صاحب نظر ، شاعری شیرین زبان بوده و حقاً و عقلاً تنها چنین کسی که تالی پیغمبران و برگزیدگان است میتواند و سزاوارست که تربیت و هدایت قومی را بعهده گیرد سعدی این وظیفه را بخوبی انجام داده ، اصول عملی اخلاق و تربیت را با استدلال عقلی و نقلی بایمانی سحرانگیز و آسمانی در بوستان خود بیان فرموده که بلاشبهه هر کس متن بوستان را راهنمای خود قرار دهد از دیگر کتابها بی نیاز و در اصلاح امور معاشی و معادی رستگار و سعادتمند خواهد بود .

درین کتاب کم حجم پر مغز جذاب تمام دقائق و اسرار زندگی نهفته است هریتی از آن دستوری است اخلاقی و اجتماعی که هیچوقت کهنه نمیشود و همیشه در هر زمان و برای هر کس شایسته پیروی است .

شعرای عالی مقام عرفانی ما بطواهر زندگانی چندان توجهی ندارند آنها بایمان سحرآمیز خود روح را پرواز در آورده در عالمی دیگر سیر میدهند ، عالمی که در آن تعلق و بستگی نیست ، و روح مجرد برانمائى آنان بجائی که فراتر مجال نیست و فرشته از سیر باز میماند قطع مراحل میکند و رسد آدمی بجائی که بجز خدا نبیند ) ولی سعدی در جزئیات امور زندگانی ما وارد میشود و در هر موضوع دستور میدهد و مانند مهربان ترین مربی ها و غمخوارترین پدرها از روی کمال خلوص و دلسوزی پند میدهد و روی بر تافتن و بکار بستن آن نصایح را بملابمت ملامت میکند :

ازین به نصیحت نگوید کست  
اگر عاقلی يك اشارت بست

دریغست ازین روی بر تافتن  
کزین روی دولت توان یافتن

باتوجه دادن بمعاد از تحصیل معاش غافل نمیماند ، تربیت روح و جسم هر دورا در نظر می گیرد ، تشویق بزناشویی و استحکام اساس خانواده ، وظیفه زن نسبت بشوهر ، وظیفه شوهر نسبت بهیال ، تربیت فرزند ، آمیزش بامردم ، احسان بانیک و بد ، دوری از طمع و توقع ، تشویق بکسب و کار ، و هزاران رموز و نکات دیگر را که همیشه محل بحث و مورد توجه علمای اجتماع بوده و خواهد بود بما میآموزد .

میفرماید شخص باید بکد یمین و عرق جبین لقمه نانی فراچنک آرد و آنچه بدست میآید بسازد و چشم طمع باین و آن ندوزد ، توقع را از خود براند تارانده نشود ، نان از عمل خویش خورد و منت از حاتم طائی نبرد ، رنج برد و راحت رساند بیدا کند و بیخشد ، بخورد و بخوراند ، بلندی و بزرگی را در گرد کردن و نهادن نداند ، شیر درنده باشد و خود را چون روباه شل نیندازد چه قدر بی انصاف و بیخبرند آنانکه منظور بعدی را از قناعت بگدائی تعبیر میکنند !

خور و خواب تنها طریق ددست برین بودن آئین نا بخردست ندارند تن پروران آگهی که بر معده باشد ز حکمت تهی گجا سیر وحشی رسد در ملک شاید برید از نری بر فلک تخت آدمی سیرتی بیشه کن بس آنکه ملک خوئی اندیشه کن در بحبوحه نفوذ روحانیت و توجه خلق بظاهر مذهب حقیقت طریقت و مذهب را با سادگی و شیرینی تمام می گوید ، در پرده دری زاهدان ربائی ازین ساده تر و روشن تر چه میتوان گفت ؟

سپید و سیاه جامه بر دوخته بسالوس و پنهان زر اندوخته سوی مسجد آورده دکان شید که در خانه کمتر توان یافت صید ره کاروان شیر مردان زنند ولی جامه مردم ایشان گنند

شبر و راهزن را برفاسق پارسا بپراهن برتری می‌نهد ، عبادت را بجز خدمت خلق نمیداند ، و کرامت را جوانمردی و نان دهی می‌شمارد ، و تصریح می‌فرماید که منظور اصلی از روزه گرفتن آنست که چاشت خود را بقرا دهند :

خورنده گه خیرش برآید ز دست      به از صائم الدهر دنیا پرست  
مسلم کسی را بود روزه داشت      که درمانده را دهد نان چاشت  
و گرنه چه لازم که سهمی بری      ز خود بازگیری وهم خودخوری ؟

سعدی حقیقت مردمی را درین میدانده که شخصی خود را چنان تربیت کند که برای دیگران مفید واقع شود و وجود خود را ارجمند و نافع سازد و بد دیگران خیر و فایده رساند و در استدلال این نکته لطف بیانی بکار میبرد که دلی از سنگ سخت تر باید که متاثر نشود . اینست تربیت سعدی :

اگر نفع کس در نهاد تو نیست      چنین گوهر و سنگ خارا بکیست  
غلط گفتم ای یار شایسته خوی      که نفعت در آهن و سنگ روی  
چنین آدمی مرده به ننگ را      که بر وی فضیلت بود سنگ را

سعدی کاملترین نابغه‌ایست که روزگار پرورانده و اگر پدر پیر فلک بسپار هم صبر کند مادر گیتی چون او فرزندی نزیاید و بر فرض محال اگر هم فرزندی بکمال پرورد سعدی خواهد بود . مگر فکر و مغز انسان چه قدر تحمل و استعداد دارد ؟

سعدی بزرگترین شاعر دنیاست و بوستان او بهترین کتاب ، بوستان را مکرر بخوانید و با من هم آواز شوید که :

اگر خوانی او را خدای سخن      سزای وی است و سزای سخن